

پدر کو ندارد نشان از پدر!

درباره فیلم‌های بیوگرافی به بهانه اکran **پرویز خان**



رضا صائمی

منتقد سینما

یکی از فیلم‌هایی که در اکran نوروزی امسال روی پرده رفت، نامش «پرویز خان» بود که قصه آن، روایتی از زندگی «پرویز دهداری»، مربی فوتبال در دهه ۶۰ است. پرویز دهداری در سال ۱۳۶۴ هدایت تیم‌های فوتبال ایران را برعهده گرفت. تنها یک‌سال بعد از این اتفاق، ۱۵ بازیکن تیم‌های فوتبال ایران نامه کناره‌گیری خود از تیم‌های را به فدراسیون وقت تحویل دادند. فیلم به همین موضوع و برهه از زندگی دهداری می‌پردازد و «سعید پورصمیمی» نقش او را بازی می‌کند. خیلی‌ها مهمترین نقطه‌قوت فیلم را بازی پورصمیمی در این فیلم می‌دانند که برای نخستین بار بازی در نقش یک شخصیت واقعی را تجربه کرده است. باین حال دختر پرویز دهداری نسبت به تصویری که از پدرش در فیلم به نمایش درآمده، انتقاد دارد و گفته است: «این فیلم را خیلی دوست دارم؛ فیلم نشان می‌دهد چگونه پدرم با اقتدار، عشق، فداکاری و با تمام وجود در آن برهه و مقطع زمانی باعث موفقیت تیم‌های می‌شود. اما باید بگویم، این فیلم اثری درباره شخصیت پدرم نیست. مثلاً پدرم تندتند راه نمی‌رفت با کنار زمین داد نمی‌زد و اینها مطابق با واقعیت نبود.» برخی از دوستان و همبازی‌های دهداری هم نسبت به تصویر او در فیلم انتقاداتی داشته‌اند. شیدا دهداری البته از بازی سعید پورصمیمی در نقش پدرش، رضایت داشته و گفته است که پورصمیمی موفق شده تا حدود زیادی طرافت، محاسن اخلاقی، مهربانی، فداکاری، عشق به کار، ملی‌گرایی و روحیات ایشان در عرصه مسابقات را با بازی اش نشان دهد. از جمله نقدهایی که به تصویر پرویز خان در این فیلم شد و دختر او هم همین نظر را داشت، فاصله سنی بین قهرمان فیلم و خود واقعی اوست. درواقع دهداری‌ای که در فیلم می‌بینیم، پیرتر از دهداری واقعی است. زمانی که دهداری درگذشت، ۵۹ سال داشت و سعید پورصمیمی اکنون ۸۰ ساله است.

سینما همیشه دو قهرمان را روی پرده خود به تصویر کشیده است؛ یکی قهرمان‌های سینمایی که از جهان خیالی می‌آیند و به میانجی تصویر جان می‌گیرند و دومی بازماندگی قهرمان‌های واقعی که در کسوت کاراکترهای سینمایی روایت می‌شوند. این دومی همیشه کار سخت‌تری بوده است؛ اینکه یک قهرمان یا شخصیت برجسته و مشهور که حالا در جهان رسانه‌ای شده، امروز به آنها سلبریتی می‌گویند، به قاب سینما و جهان فیلم می‌آیند و زندگانه‌های آنها یا بخشی از زندگی حرفه‌ای آنها مقابل دوربین می‌رود. فیلم‌هایی بیوگرافی که مخاطب از قبل او را می‌شناسد و به سینما می‌آید تا این چهره آشنا را روی پرده ببیند. مواجهه‌ای که بسیاری از مواقع با یک آشنایی‌زدایی منفی همراه می‌شود. به این معنا که تصویری که تماشاگر از قهرمان یا شخصیت محبوبش در فیلم می‌بیند، با تصورش از او فاصله داشته و انطباق ندارد. این تفاوت گاهی به دلخوری یا پس‌زدن از فیلم می‌انجامد. اغلب فیلم‌های زندگانه‌های در ایران، چنین تقدیری داشته است. نمونه اخیرش فیلم «پیرو» بود که نتوانست رضایت مخاطب و علاقه‌مندان علیرضا بیرانوند را جلب کند و فیلم هم در گیشه شکست خورد. فیلم «ختی» پیرام توکلی هم کم‌پوشش با این نقدها به‌ویژه از سوی طرفداران او مطرح شد. درهمین زمینه، فیلم‌های بیوگرافی درباره قهرمانان و فرماندهان جنگ با چالش‌های کمتری مواجه‌شد، چرا که برخلاف قهرمان‌های ورزشی که مردم تصویری از واقعیت او را در حافظه تاریخی خود دارند، درباره قهرمان‌های جنگ بیشتر خاطره و نقل قول شنیده‌اند و به جای تصویر، تصویری از آنها در ذهن مخاطب نقش بسته است و زمانی که شخصیت آنها در جهان فیلم به نمایش درمی‌آید با پذیرش و همدلی بیشتری همراه می‌شود. روایت شخصیت‌های واقعی در سینما و فیلم‌های پرتره و بیوگرافی، یکی از جذاب‌ترین شکل‌های فیلمسازی است اما به همان اندازه سخت و دشوار است. اینجا دیگران را ضرب‌المثل قدیمی جواب نمی‌دهد که «آینه چون نقش تو نبود راست/ خود شکن، آینه شکن خطاست». اینجا باید آینه سینما در برابر واقعیت، شکن باشد تا تصویری درست از قهرمان‌های واقعی را نشان دهد. باین حال این نکته را هم نباید فراموش کرد که بازماندگی چهره‌های واقعی از فیلتر تصویر و درام به‌طور کلی به‌واسطه زبان سینما رخ می‌دهد و مقتضیات خاص خودش را دارد و شاید توقع اینکه شما را قهرمان‌های واقعی در سینما نعل‌بنعل واقعیت باشد شاید انتظاری وسواس گونه باشد. همین که فیلمی بتواند در روایت یک شخصیت به اصل واقعیت وفادار باشد، کافی است. گرچه نقد فیلم از حیث سینمایی، در جای خود باقی است.

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتورها) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار • جروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۵۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



باز هم سال سینمای کم‌دی؟

به نظر می‌رسد گونه‌های غیر کم‌دی سینمای ایران دیگر جذایبیتی برای مخاطبان و فیلمسازان بدنه سینما ندارد



ندا زنگینه

خبرنگار فرهنگ

شاید با نگاهی به سینمای ایران در سال‌های اخیر بتوان سینماگران و فعالان این حوزه را به چهار دسته کلی تقسیم کرد: فضای حاکم بر کشور و قوانین سخت و سخت‌سازمان سینمایی برای اکran فیلم‌هایی که گاه توان عبور از سد ممیزی را ندارند نیز بخشی از فیلمسازان کشور را خانه‌نشین کرده و از طرفی فرصت خوبی را برای کوچ برخی از سینماگران به سمت پلفرم‌ها ایجاد کرده است. به‌طور مثال مازیار میری، کارگردان فیلم‌هایی مانند «حوض نقاشی» و «سعادت‌آباد» در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ با دو سریال «خسوف» و «شریک جرم» در شبکه نمایش خانگی حضور داشته است. نمی‌توان این مسئله را انکار کرد که برخی از فیلمسازان نیز مشغول ساخت فیلم‌های زیرزمینی هستند که در جشنواره‌های بین‌المللی حضور پیدا کنند.

عده‌ای از فیلمسازان این روزها سخت مشغول ساخت کم‌دی‌های گیشه‌پسندی هستند که از این راه فروش خوبی نیز به دست آورده‌اند. در این میان نکته قابل توجه این است که گیشه سینمای ایران چند سالی است که با فیلم‌های کم‌دی و طنز اشغال شده است. برای اثبات این مدعی کافی است نگاهی به لیست پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران بیاوریم که تا رتبه پانزدهم آن، که متعلق به فیلم «ملاقات خصوصی» است، خبری از گونه‌های دیگری از سینما نیست. فیلم سینمایی «فسیل» به کارگردانی کریم امینی، نویسندگی حمزه صالحی و تهیه‌کنندگی سید ابراهیم عامریان با ۲۲۴ میلیارد تومان عنوان پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران در سال‌های اخیر را به خود اختصاص داده است. فیلم «هتل» با ۲۷۵ میلیارد تومان در رتبه بعدی قرار دارد. «تمساح خونی» جواد عزتی که همچنان در حال اکran است، با ۱۱۰ میلیارد تومان فروش رتبه سوم این فهرست را به خود اختصاص داده است که باید منتظر ماند و دید که می‌تواند رکورد «فسیل» را بشکند یا خیر. فیلم سینمایی «هاوایی» با ۸۳ میلیارد تومان، «انفرادی» با ۷۷ میلیارد تومان، «شهر هرت» با ۷۷ میلیارد تومان و «ویلائی ساحلی» با ۶۳ میلیارد تومان فروش به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار می‌گیرند.

کم‌دی سینمای ایران را بلعیده!

یکی از عوامل اقبال فیلمسازان نسبت به سینمای کم‌دی گیشه تضمین شده است. **محمد رضا لطیفی**، منتقد سینما در رابطه با این موضوع در گفت‌وگو با «هم‌میهن» گفت: فیلم‌های کم‌دی سالیان سال است که گیشه مطمئن‌تری نسبت به ژانرها و سبک‌های دیگر سینما دارند. البته این یک معضل بزرگ برای سینمای ایران است که هرکسی می‌خواهد فیلمی بسازد که گیشه تضمین شده دارد، سراغ این نوع سینما می‌رود. این مسئله مهم وجود دارد که تا چندسال گذشته حتی به‌صورت جسته و گریخته سینمای اجتماعی، سینمای اعتراضی، سینمای تجربی، سینما هنری و... در کشورمان فعال بوده است و چنین فیلم‌هایی ساخته و اکran می‌شدند، یعنی چرخه این نوع فیلم‌ها هم حرکت می‌کرد و متوقف نشده بود. حتی فیلم‌های اجتماعی نیز پرفروش و با استقبال مخاطبان مواجه می‌شدند. اکنون در سینمای ایران، کم‌دی عملاً تمام گونه‌های دیگر سینما را در خود بلعیده است و ما چیزی به نام سینمای هنری، سینمای فرهنگی، سینمای پیشرو، سینمای تجربی، سینمای اعتراضی و... نداریم یعنی اینگونه فیلم‌ها دیگر نه قابل تولید هستند نه قابل اکran است. به‌طور مثال بیابید نگاهی به فروش فیلم‌های سال ۱۴۰۲ داشته باشیم که مسئولان در بوق و کرنا کردند که سال گذشته سال انفجار فروش فیلم‌ها و استقبال مخاطبان سینما بود. در سال ۱۴۰۲ با فیلم‌های هنر و تجربه حدود ۱۰۰ فیلم در سینمای ایران اکran شد. از این تعداد ۲ فیلم «فسیل» و «هتل» نزدیک به ۶۰ درصد گیشه سینمای کشور را در دست دارند. ۳۰ درصد فروش فیلم‌های

دیگر متعلق به ۳ فیلم «هاوایی»، «شهر هرت» و «ویلائی ساحلی» است. ۱۰ درصد بقیه فروش نیز به حدود ۸۰ فیلم اختصاص دارد. او که معتقد است ما با یک سینمای ورشکسته مواجه هستیم، بیان کرد: در اینجا لازم است توضیح دهیم که فروش‌های چند دهه یا چند صد میلیاردی فیلم‌ها و این اعداد و ارقامی که مطرح می‌شوند، نباید ما را گول بزنند و مخاطبان باید این واقعیت را در نظر بگیرند که در شرایط فعلی طبق آمار سال گذشته هزینه تولید یک فیلم سینمایی بسیار معمولی ۲۰ میلیارد تومان است. هنگامی که فیلم در گیشه اکran می‌شود، سهم صاحبان آثار یک سوم فروش فیلم است. یعنی برای اینکه یک فیلمی که ۲۰ میلیارد برای ساخت آن هزینه شده است به میزان هزینه ساخت خودش دست پیدا کند، باید ۶۰ میلیارد تومان در گیشه فروش داشته باشد. با این پیش‌زمینه ذهنی باکس طلایی روزی را بر سر می‌کنیم؛ در باکس نوروز فیلم «تمساح خونی» جواد عزتی، فروش خوبی دارد و در حال حاضر از ۱۱۰ میلیارد تومان گذشته است. در رتبه دوم فیلم «بی‌پدن» ۲۶ میلیارد تومان فروش می‌کند و باقی فیلم‌ها حدود یک تا دو میلیارد در گیشه به فروش می‌رسند. اختلاف زیادی میان فیلم‌ها وجود دارد و این نشان می‌دهد که سینمای ما در ورشکسته‌ترین حالت خودش به‌سر می‌برد! در این حالت عملاً می‌توانیم بگوییم، ۹۵ درصد باکس اکran نوروز با شکست مواجه شده است. این مسئله باعث می‌شود که امکان ساخت گونه‌های دیگر سینما وجود نداشته باشد. اکنون فیلمساز محکوم است که یا فیلم کم‌دی بسازد یا فیلم ارگانی و حالت سومی وجود ندارد. این موضوع رنگ خطر بسیار جدی و هولناکی برای سینمای ایران است.

فیلم‌هایی عقب‌تر از جامعه

لطفاً با بیان این موضوع که سخت‌گیری‌ها باعث شده است تا فیلم‌های اجتماعی ما نسبت به جامعه عقب‌تر باشند، گفت: ما هرچه در مرحله پروانه ساخت گلوگاه را تنگ‌تر کنیم، از طرفی از جامعه عقب‌تر هستیم. طبیعی است که فیلم اجتماعی که از جامعه عقب‌تر باشد، مورد استقبال مخاطبان قرار نمی‌گیرد. در این حالت فیلمساز امکان ساخت فیلم اجتماعی جسور را ندارد. مورد بعدی این است که متولیان صنعت سینما باید جذب مخاطب کنند. در این سال‌ها استقبال از فیلم‌های کم‌دی بسیار مورد توجه واقع شده‌اند اما حقیقتاً این اصلاً موضوع عجیبی نیست و از ابتدا فیلم‌های کم‌دی ما مخاطب داشته‌اند. جنس مخاطبان فیلم‌های کم‌دی هم تقریباً یکسان است. ما سالیان سال است که این جنس مخاطب را داریم که اصلاً بد نیست و اتفاقاً خیلی هم به چرخه صنعت سینما کمک می‌کنند. ما باید مخاطبانی که جنس دیگری از سینما را دوست دارند و به اصطلاح مخاطبان فیلم‌بین و سینماور هستند، تربیت و جذب کنیم. حتی باید از دل همین مخاطبان فیلم‌های کم‌دی، مخاطب حرفه‌ای سینما تربیت کنیم. مشکل ما اکنون این است که مخاطب حرفه‌ای نداریم. عده‌ای صرفاً می‌آیند در سالن سینما یک فیلمی می‌بینند و می‌روند. نه دغدغه سینما دارند، نه فیلم و کارگردان. اتفاقاً هستند مردمی که سینمای اجتماعی را دوست دارند اما باید اجازه ساخت فیلم اجتماعی به آن‌ها داده شود، سخت‌گیری‌ها کمتر و حمایت‌ها بیشتر شود تا شرایط تولید چنین فیلم‌هایی فراهم شود. گروه هنر و تجربه وقتی سال ۹۳ برای اولین بار افتتاح شد، غوغا به پا کرد زیرا یکسری مخاطب خاموش بودند که به فیلم‌های تجربی علاقه داشتند و عملکرد سینمای هنر و تجربه نیز باعث شد چنین مخاطبانی بیابند و از اکran‌ها استقبال کنند. این مورد نشان می‌دهد که ما می‌توانیم مخاطبان مان را شناسایی، تربیت و هدایت کنیم اما در سال‌های اخیر گویا قانون ناوشته‌ای در سینمای ما وجود دارد بدین صورت که باید برای جشنواره فجر فیلم‌های ارگانی تولید کنیم که مخاطب برایشان اهمیتی ندارد زیرا بودجه آن‌ها از جایی دیگر تأمین می‌شود و عده‌ای دیگر نیز بدون در دسترس فیلم کم‌دی می‌سازند. مشکل این است که آن دست مخاطبان فیلم‌بین دیگر به سینما نمی‌روند، زیرا به این نوع از سینمای کم‌دی علاقه ندارند. از طرفی فیلم‌های اجتماعی و هنری برای این گروه ساخته نمی‌شود و فیلم‌های ارگانی نیز نیاز این مخاطبان را ارضاء نمی‌کند. حال به نظر می‌رسد که باتوجه به استقبال خوب مخاطبان از فیلم‌های کم‌دی اکran شده در چندسال اخیر، امسال نیز فیلمسازان زیادی سراغ ساخت این جنس از سینما بروند.

درگذشت هنرپیشه دهه ۴۰ سینمای ایران



داریوش طلاایی، بازیگر و قهرمان اسبق زیبایی اندام ایران در ۸۶ سالگی درگذشت. داریوش طلاایی به دعوت داریوش اسدزاده به تئاتر روی آورد و در تله‌تئاتر «گره و قناری» ایفای نقش کرد. طلاایی به توصیه اسدزاده به کلاس‌های آموزشی آناهیتا تحت نظر مهین اسکویی و مصطفی اسکویی رفت و مدتی بعد توسط سیامک یاسمی، تهیه‌کننده و کارگردان معروف سینما، با فیلم «شمسی پهلوان» روی پرده تفره‌ای سینما ظاهر شد. داریوش طلاایی در دهه ۴۰ خورشیدی و در حدود چهار سال فعالیت سینمایی، در ۱۹ فیلم همچون «شمسی پهلوان»، «شیرین و فرهاد»، «چشم سفید»، «الماس ۳۳»، «دنیای پر امید»، «دختر کدخدا» و... در کنار بزرگان سینما به بازیگری پرداخت، ولسی از آغاز دهه ۵۰ و با رونق فیلم‌های متکی به تیپ کلاه مخملی به دلیل کمبود دستمزد از سینما کناره‌گیری کرد و دیگر به بازیگری نپرداخت. او که مدت‌ها ساکن شمال کشور بود، ورزش را تا اواخر عمر ادامه داد و در کنار آن به رستوران‌داری مشغول بود.

آغاز عملیات مشترک ارون



کشور عراق پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی تأسیس شد و پس از مدتی، با ایران دچار اختلافاتی مرزی شد. عراقی‌ها در زمینه حق کشتیرانی و منافع حاصل از رودخانه اروند با ایران اختلاف‌نظر داشتند و معتقد بودند، کل شط‌العراق از آن آنهاست و استفاده ایران از این رودخانه بدون اجازه عراق ممکن نیست. پیشنهاد ایران البته منصفانه و منطبق بر حقوق بین‌الملل بود و بر تقسیم رودخانه بین دو کشور براساس خط‌القدر (تالوک) تأکید می‌کرد. در بهار ۱۳۴۸ این اختلافات دوباره بر زبان طرفین آمد و در مقابل دعای عراقی‌ها، ایران هم قرارداد مرزی ۱۳۱۶ را ابطال کرد، هم از ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت‌ماه عملیات مشترک ارون را برگزار کرد. در این عملیات کشتی بازگانی این سینا با محموله تیرآهن و با پرچم ایران، در حالی که توسط کشتی‌های نیروی دریایی ایران و جنگنده‌های جت و عراق نیز در عمل نتوانست تهدید خود مبنی بر تیراندازی به هر کشتی ایرانی را عملی کند. کشتی باری آریافر هم سه‌روز بعد با چهار قایق مسلح، بدون هیچ گونه مزاحمتی از کنار رودخانه عبور کرد.

جوابیه وزارت میراث فرهنگی به هم‌میهن

همکاری با «ایکوم» و «ایکوموس» با جدیت دنبال می‌شود

پیرو انتشار مطلبی با عنوان «خروج ایران از شورای جهانی موزه‌ها» مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۹ در صفحه ۱۶ روزنامه هم‌میهن، اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی جوابیه ذیل را برای انتشار در اختیار این روزنامه قرار داد:

«به‌رغم خبر منتشرشده با موضوع انصراف ایران از عضویت در «شورای بین‌المللی موزه‌ها» و «شورای بین‌المللی محوطه‌ها و بناها» (ایکوموس)، توسعه همکاری‌های بین‌المللی در حوزه میراث‌فرهنگی در اولویت اقدامات وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در دولت سیزدهم قرار دارد. در این زمینه ایران از تجارب بسیار خوبی در همکاری با نهادهای بین‌المللی در حوزه میراث‌فرهنگی و موزه‌داری برخوردار است و این اقدامات در دوره جدید فعالیت معاونت میراث‌فرهنگی نیز با جدیت بیشتری با نهادهایی نظیر ایکوم و ایکوموس دنبال می‌شود.

نکته قابل توجه اینکه، نهادهایی همچون ایکوم (شورای بین‌المللی موزه‌ها) و ایکوموس (شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌های تاریخی) ساختار غیردولتی دارند و لذا حق عضویت در این مجامع در کشور ایران از طریق افراد حقیقی عضو این شوراهای پرداخت می‌شود. بنابراین لایحه اخیر دولت (لایحه اصلاح قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی مصوب ۲۶ فروردین ۱۳۶۵) ناظر بر همین موضوع بوده و اصلاحیه‌ای در جهت قوانین پیشین است.

در خاتمه تأکید می‌شود همکاری‌های وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با کلیه نهادهای غیردولتی بین‌المللی و ملی در حوزه میراث‌فرهنگی و موزه‌داری با اهتمام بیشتری در جریان است.»